

**مطالعه جامعه‌شناختی رویکرد جوانان به هم‌باشی و هم‌زیستی‌های نوپدید  
(مورد مطالعه: شهر تهران)**

<sup>۱</sup> ناهید حسینی

<sup>۲</sup> سید محمد سید میرزایی

<sup>۳</sup> باقر ساروخانی

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸

### چکیده

هم‌زیستی‌های نوپدید یا هم‌باشی، شیوه‌ای از زندگی مشترک بدون عقد و پیوند رسمی ازدواج است و در سال‌های اخیر در ایران مطرح شده و پژوهش‌های پراکنده‌ای در مورد آن صورت گرفته است. این تحقیق با هدف واکاوی رویکرد معنایی جوانان نسبت به هم‌باشی و با روش کیفی از نوع تحلیل تماتیک انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته به صورت فردی و گروه‌های کانونی است. نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع تا اشیاع داده به تعداد ۲۸ نفر دختر و پسر ساکن در مناطق مختلف شهر تهران بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌های متنی با تکنیک کدگذاری روش‌های کیفی انجام و اعتبار تحقیق با مثلث توافق کدگذاران و بر پایه رویه تحقیق برلکات مورد دقت قرار گرفت. دو رویکرد اصلی خوش‌بینانه و منفی‌نگر حاصل این واکاوی است که هر دو مبتنی بر نوعی از عقلانیت وبری است. به این معنا که افراد با رویکرد منفی‌نگر این پدیده را به دلیل مغایرت مذهبی، فرهنگی، قانونی، هنجاری و در نهایت غیرعقلانی بودن آن، بر اساس عقلانیت معطوف به ارزش، رد و کنش ناظر به ارزش‌ها را برمی‌گزینند. دسته دوم اگرچه بر اساس دلایلی هم‌چون بازی نقش و گریز از مواجهه با مشکلات ازدواج و احتمالاً تجربه تلخ طلاق آن را انتخابی عقلانی می‌دانند. منتهی عقلانیتی صوری و ناظر به جنسیت است. اما استراتژی این گروه هوشمندانه و کنش موکول به بازتولید فرهنگی پدیده و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است.

**واژگان کلیدی:** هم‌باشی، عقلانیت، هم‌زیستی، جوانان، ازدواج.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استاد گروه جمعیت‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Syedmirzaei@ yahoo.com

۳- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

#### مقدمه

هم‌باشی صورتی از همزیستی مشترک مرد و زن بدون عقد ازدواج است. زوجینی که زیر یک سقف زندگی می‌کنند، رابطه جنسی دارند، ولی ازدواج قانونی نکرده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۹). کارهای مربوط به خانواده بر دوش هر دو نفر است ولی از نظر قانون و شرع و عرف، زن و شوهر محسوب نمی‌شوند. تعهد به شریک زندگی وجود دارد، اما این تعهد جنبه عاطفی دارد نه قانونی (آزاد ارمکی، ۱۳۹۵: ۷۸). این شیوه همزیستی در اصل صورت‌بندی جدیدی از زندگی مشترک زن و مرد است که به ویژه پس از انقلاب جنسی در غرب ظهور یافته است و در کشورهای مختلف مثل آلمان شرقی، سوئد، به صورت هنجار درآمد و در دانمارک به اندازه ازدواج رواج دارد. در انگلستان در ابتدا پذیرفته شده نبود و رسوایی محسوب می‌شد و هنوز هم به نظر می‌رسد آن‌گونه که در سوئد موضوعی عادی است، در انگلستان فراگیر نیست و جایگزین ازدواج نشده است، تقریباً عملی پنهانی است و افراد می‌کوشند که این شیوه از زندگی را از والدینشان مخفی نگاه دارند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۵۲).

این پدیده منتج از زندگی مدرن است و بر اساس ماهیت مدرنیته، فردگرایی و عقلانیت، لذت طلبی و تنوع خواهی از ویژگی‌های آن است. در آمریکا در دهه ۱۹۷۰ نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوهای هم‌باشی زندگی می‌کردند، در دهه ۱۹۸۰ به یک میلیون و ۵۰۰ هزار زوج رسید. طبق آمارها در سال ۲۰۱۰ بیش از هفت میلیون زوج در آمریکا به این شکل زندگی می‌کنند و بیش از نیمی از زنانی که در آمریکا ازدواج کرده‌اند، قبلاً رابطه هم‌خانگی را با همسر فعلی خود تجربه نموده‌اند (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱)؛ حدود ۴۰ درصد از زوج‌های هم‌خانه در آمریکا بدون آن که به ازدواج برسند از یکدیگر جدا می‌شوند. تعداد زوج‌های هم‌خانه آمریکا در سال ۲۰۱۲ به ۷/۸ میلیون نفر و این میزان در انگلستان در سال ۲۰۱۰ به ۲/۹ میلیون نفر رسیده است. (نورمی بین تی، ۲۰۱۶). در فرانسه بیش از یک میلیون زوج ازدواج نکرده، دانمارک ۶۵ درصد، سوئد ۷۵ درصد زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله هم‌باشی بی ازدواج با مردان را برگزیده‌اند. با افزایش سن و در زنان ۲۵ تا ۲۹ ساله این نسبت به ۲۹ درصد و ۴۰ درصد کاهش می‌یابد (بهنام، ۱۳۹۲: ۹۶). در مالزی نیز روند هم‌زیستی بدون ازدواج رو به افزایش است (نورمی بین تی، ۲۰۱۶). بنابر این در کشورهای صنعتی و توسعه یافته، این شکل از همزیستی زن و مرد با یکدیگر به عنوان شریک جنسی امری تقریباً پذیرفته شده است، هر چند که هنوز ازدواج نامیده نمی‌شود. در غرب به‌طور معمول دو نوع هم‌خانگی بدون ازدواج و هم‌خانگی پیش از ازدواج وجود دارد. هم‌خانگی پیش از ازدواج مرحله‌ای مقدماتی برای ازدواج است که باعث تأخیر ازدواج می‌شود. اما هم‌خانگی بدون ازدواج با انکار ازدواج رسمی و مشروع، ازدواج را به حاشیه برده و جایگزین آن شده است. با گسترش امکان هم‌باشی نه تنها ازدواج رسمی کاهش می‌یابد، بلکه حاملگی‌های زودرس در پیوندهای آزاد و غیررسمی دو برابر شده است (بهنام، ۱۳۹۲: ۹۶). این شیوه از زندگی علیرغم سطح بالاتری از شادی و نشاط

طرفین، از ثبات لازم برخوردار نیست و همگی به ازدواج دائم ختم نمی‌شوند (ال. براون، ۲۰۰۴) چرا که تعهد بنیادی به ازدواج، به ارزش روابط می‌افزاید (بنگستون، ۱۳۹۳). افراد صاحب تجربه هم‌باشی، از شانس کم‌تری برای کسب موفقیت زناشویی برخوردارند و خشنودی کم‌تری از ازدواج و تعهد پایین‌تری به آن دارند (کندال، ۱۹۹۹؛ به نقل از بستان، ۱۳۸۹: ۱۸۰). میزان جدایی در آمریکا و سوئد، در ۸۰ درصد این افراد بیش‌تر از سایر افراد است (ترنر، ۱۳۷۸؛ به نقل از همان منبع: ۱۸۰).

مدرنیسم در بخش عمده‌ای از جهان، خود را در مقام فرآیند غربی شدن<sup>۱</sup> باز نمایانده و نوسازی بدین معنا، علاوه بر این که فرآیندی معطوف به دگرگونی اجتماعی است، به منزله تحمیل فرهنگ غرب بروز یافته است (برگر، برگر و کلنر<sup>۲</sup>، ۱۳۸۷: ۱۱). جامعه ایرانی نیز از تغییرات اجتماعی فرهنگی اتفاق افتاده مصون نمانده است و خانواده‌های ایرانی متأثر از مدرنیسم در صد سال اخیر در فرآیند نوسازی در عرصه‌های گوناگون از جمله مناسبات میان دو جنس، کشمکش‌های فرهنگی و الگوهای سنتی و مدرن، را تجربه کرده و وارد مرحله انتقالی شده‌اند و ضمن حفظ برخی از عناصر سنتی خود، برخی ویژگی‌های جامعه جدید را نیز دریافت کرده‌اند. اگرچه فضای مجازی و صنعت فرهنگ در سرعت بخشیدن به این گونه تحولات فکری و کنشی نقش بسزایی دارد و آمارهای غیر رسمی از سوی برخی مدیران شهری (طلایی، ۱۳۹۳)، مبنی بر رشد زندگی مجردی به ویژه میان دانشجویان و محلات شمال شهر تهران، افراد نمونه در تحقیقات حوزه هم‌باشی و ازدواج سفید مؤید این ادعاست. نکته حائز اهمیت این است که اگرچه هم‌باشی ممکن است نتیجه برخی تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یا سبک زندگی مدرن و حتی نوعی اعتراض به وضعیت ازدواج باشد؛ اما استمرار و اشاعه آن می‌تواند چالشی جدی برای ازدواج و خانواده ایرانی باشد. روابط مکرر و کوتاه با افراد متعدد، فرصت زندگی مستمر و روابط دائم را سلب می‌کند و با تبدیل زن به یک ابژه جنسی به جای نقش همسری و مادری، آسیب جدی از نظر عاطفی، اخلاقی و روانی به ویژه برای زنان خواهد بود. تقید جامعه ایرانی به مکتب آسمانی اسلام و تقدس نهاد خانواده در مبانی شرعی و عرفی و فرهنگی با تبلیغات و بی‌بند و باری حاکم بر هم‌باشی، چالش و تعارض فکری و اجتماعی عمیقی را به‌ویژه در بین جوانان ایجاد می‌کند. از این رو تحقیق حاضر در پی واکاوی معنایی جوانان مورد مطالعه از هم‌باشی است، با این سؤالات که نسبت به آن چه رویکردی دارند، دلایل و پیامدهای متصور آنان از این شیوه زندگی چیست و در مقابل آن چه نوع استراتژی را انتخاب می‌کنند؟

اکبرزاده و هاشمیان‌فر (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «از اخلاق متعارف تا اخلاق فرا عرفی، گونه‌شناسی تجربه تعهد در ازدواج سفید» و در پاسخ به این سؤال که تعهد در این شیوه از هم‌زیستی

1- Westernization

2- Berger, Berger & Kellner

چگونه بر ساخته می‌شود، در پژوهشی کیفی از نوع داده بنیاد در افراد هم‌بالین شهر اصفهان نشان دادند که تعهد نه تنها مفهومی با معنای ثابت نیست، بلکه در طی زمان و مکان و بر حسب شرایط تحول یافته و در چارچوب فضایل اخلاقی برداشت می‌شود. در این شیوه از زندگی تعهد به منزله اخلاق فراعرفی روابط برابری طلبانه‌تر، آزادی‌خواهانه و غیر متأثر از ایدئولوژی‌های فرهنگی بوده و معنایی درونی شده و فردی شده تر و خود گزیده‌تری دارد. اگر چه تعهد در همبستگی معنایی وسیع، چند بعدی، سیال و نسبی است. شرف‌الدین و عراقی (۱۳۹۸) در «بررسی تحلیلی ابعاد زندگی در ازدواج سفید» بر این باورند که به‌رغم فراوانی اندک، آثار و پیامدهای سوئی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد و خانواده‌ها و مسئولان به دلیل عدم مجوزهای عرفی، شرعی و قانونی نباید با تسامح و تغافل از آن عبور کنند.

آقایی (۱۳۹۸) در «واکاوی جرم شناسانه ازدواج سفید با رویکرد جامعه‌شناختی»، این ارتباط را از جرایم بدون بزه دیده مستقیم و در بردارنده جرایم رابطه نامشروع، زنا و سقط جنین و امری غیرقانونی دانسته است و پژوهشی با هدف شناخت گرایش به ازدواج سفید از نوع همبستگی انجام داده و عواملی همانند عقاید فمینیستی، عدم اعتقاد به هنجارها و اصول مذهبی، شرایط بد اقتصادی و بیکاری، مخالفت با ازدواج سنتی، لذت‌طلبی، دوستی با افراد سابقه‌دار در هم‌باشی، از هم‌گسستگی خانواده، فقدان کیفرگذاری مستقل، عدم نظارت همگانی، کسب حمایت برای زنان و عدم تعهد و مسئولیت در ازدواج را بر شمرده است.

احمدی (۱۳۹۷) در تحقیقی از تجربه هم‌باشان در ایران نشان داده که این نوع رابطه بعد از یک تا سه سال از هم می‌پاشد. در این نوع ارتباط با در نظر گرفتن فرهنگ، عرف و دین و اهمیت دوشیزگی، زنان دیگر نمی‌توانند به راحتی با فرد دیگری ازدواج کنند و به ناچار روابط همبستگی را ادامه می‌دهند و فرصت‌های ازدواج رسمی برای آنان کاهش می‌یابد. این امر آنان را ناخواسته در چرخه معیوبی از هم‌باشی‌های متعدد گرفتار می‌سازد و بدون تردید بر روابط آتی آنان در ازدواج رسمی و سستی بنیان خانوادگی‌شان تأثیر خواهد داشت.

در فرا تحلیل ۱۵ تحقیق در مورد روابط جنسی پیش از ازدواج میان جوانان و نوجوانان دانشجویان و غیر دانشجویان در شهرهای تهران، تبریز، شاهرود، قوچان، کرج و لرستان به تعداد ۱۴۹۸۹ نفر حجم نمونه نشان داد که با میانگین سنی ۱۶/۶ تا ۲۳/۵ ساله شیوع رابطه جنسی در تهران ۲۲/۵ و در سایر شهرهای مورد مطالعه ۱۴/۷ درصد نشان داده شده است و میانگین سهم کشوری به ۱۶ تا ۱۹ درصد می‌رسد. این رقم برای پسران ۲۹ درصد در برابر سهم ۱۲ درصد دختران قابل تخمین است (خلج آبادی فراهانی، ۱۳۹۵).

کریمیان و زارعی (۱۳۹۵) نشان دادند که در رابطه هم‌باشی در میان افراد مورد مطالعه، رضایت نسبی از رابطه، تعهد متقابل ضعیف، کیفیت پایین رابطه، ترس از قضاوت خانواده و جامعه، آسیب‌های شخصی، رابطه معامله گونه و نداشتن تصمیم برای ازدواج از مقولات مهم در این شیوه از زندگی است. یاری نسب

و همکاران با مطالعه در بین گروه‌های جمعیتی مردان و زنان دریافتند گرایش مردان به ازدواج موقت به طور معناداری نسبت به زنان بیش‌تر است (یاری‌نسب، توحیدی و سایر همکاران، ۱۳۹۴). مهدیه و سیدان (۱۳۹۴) در تحقیقی کیفی دریافتند میان ادراک زنان و مردان از هم‌باشی تفاوت است. عشق در این روابط بسیار مهم است، زنان زودتر دلبسته شریکشان شده و آغاز رابطه را عاطفی دانسته و روابطشان را مقدمه‌ای برای ازدواج با شریکشان می‌دانند. اما مردان دیرتر از زنان وارد رابطه عاطفی با شریکشان شده و آغاز رابطه را منطقی توصیف کرده و رابطه‌شان را مقدمه‌ای بر ازدواج ندانسته و انتخاب همان شخص برای ازدواجشان قطعی نبوده است. بنابر این با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی، زنان عمدتاً به روابط شخصی و احساسی و مردان به ابعاد منطقی و انتزاعی این شکل از ازدواج توجه دارند. کریمیان و همکارانش (۱۳۹۴) در تحقیق کیفی در شهرهای بندرعباس، کرمان و تهران، دلایل و انگیزه‌های مشارکت‌کنندگان از هم‌باشی را آمادگی برای ازدواج و نگرانی از پیامدهای آن، مزایای اقتصادی، نیازهای عاطفی و جنسی، نگرانی از پیامدهای طلاق، کم‌رنگ شدن نقش نظارتی و حمایتی خانواده، آموختن سازگاری و ازدواج آزمایشی از مهم‌ترین دلایل دانسته‌اند. آزاد ارمکی (۱۳۹۱) در تحقیق کیفی ۲۱ نفر از پسران و دخترانی که در شهر تهران روابط هم‌بالینی را تجربه کرده‌اند، نشان داده است که هم‌باشی محصول فرآیند تجدد ایرانی و گسترش جهانی‌شدن و ورود آن به ایران است؛ فرآیندهایی که ابتدا با تغییر اوضاع اقتصادی و فرهنگی (نظام ارزشی) جامعه، به تدریج تغییرات اجتماعی را در داخل کشور پدید آورده است (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱).

پاملاجی اسموک مانن، کروچر<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در تحلیلی از وضعیت آمریکا در مقایسه با ۱۶ کشور اروپایی ادعان داشته‌اند که هم‌باشی در ایالات متحده آمریکا در سال‌های اخیر به طور روزافزونی رو به ازدیاد است. این تحقیق نشان داده که اگرچه تعدادی از کشورها الگوی تجربی مربوط به یک نوع ایده‌آل را دارند، اما زندگی مشترک بدون ازدواج در ایالات متحده سخت‌تر است. در مورد ثبات و رضایت‌مندی این نوع ازدواج، فیلینگ و کوهن<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در تحقیقی دریافتند که بین بی‌ثباتی ازدواج و وجود رابطه جنسی قبل از ازدواج همبستگی مثبت و قوی وجود دارد، در حالی که دلیل زندگی مشترک بدون ازدواج آنان افزایش میزان ثبات و پایداری متعهدانه ازدواج است. هم‌چنین برخی تحقیقات همبستگی طلاق با زندگی قبل از ازدواج را نشان می‌دهد (وود ام ای و امری<sup>۳</sup> ۲۰۰۸). البته در یک روند جهانی نشان می‌دهد زندگی مشترک در سراسر اروپا روند واگرایانه به سوی الگوهای هم‌زیستی در پیش گرفته است (کاسیرو و کاستر<sup>۴</sup> ۲۰۱۰). کاهش شدید نرخ ازدواج در ازدواج اول و ازدواج مجدد تا حد زیادی متأثر از افزایش

1- Pamela J. Smock Rhiannon Kroeger

2- Filling and Cohen

3- Lakeesha N. Woods MA & Robert E. Emery

4- Kairi Kasearu MA & Dagmar Kutsar

همزیستی است. افزایش نسبت جوانان ازدواج نکرده را نباید به معنای افزایش مجرد به طور سنتی در نظر گرفت. جوانان خانه‌های خود را با شریکان جنس مخالف بنا می‌کنند. همباشی یک پایگاه خانوادگی است، اما سطح اطمینان روابط یقیناً کمتر از ازدواج است (لاری و بامپاس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱). مطالعه طولی بر روی کیفیت خانواده‌ها (ازدواج‌کرده) و خانوارها (همباشی) در میان زوج‌های هم‌نژاد (انگلیسی و آمریکایی و آفریقایی آمریکایی) نشان می‌دهد تحت تأثیر دوره باهم بودن و تجربه زندگی است. زوج‌های هم‌زیست در ابتدا زمان بیشتری را به تنهایی از یکدیگر صرف می‌کنند، اما با گذشت زمان، شبیه به ازدواج می‌شوند (ویلتس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). زنان در زندگی همباشی اعتقادات مذهبی کم‌تری نیز نسبت به سایر زنان داشته‌اند (نیوکامب و بنتلر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). بنابر این با مروری بر پیشینه تحقیق در می‌یابیم که این موضوع مدتی است که در زمره مسائل ذهنی و اجتماعی اندیشمندان این حوزه در داخل و خارج قرار گرفته و به جوانب مختلف آن پرداخته‌اند.

اگرچه این پژوهش با روش کیفی انجام می‌شود و در مطالعات کیفی الزامی به تقید در چارچوب نظری نیست، اما می‌توان شیوه کنشگری را در مرور ادبیات نظری جستجو و با ایجاد حساسیت نظری مسیر منسجم‌تری برای تحقیق ایجاد کرد. پیتر برگر<sup>۴</sup> و همکارانش معتقدند کنش‌های انسانی در موقعیت معنا می‌شوند و ملاک مطلق برای قضاوت وجود ندارد، زیرا موقعیت انسان ثابت نیست و در تغییر و تحول دائمی است. این بدان معناست که واقعیت تام اجتماعی دارای مؤلفه اساسی آگاهی (روزمره) است. این رهیافت در حوزه جامعه‌شناختی در مقایسه با نظریه‌هایی همانند کارکردگرایی، ساختارگرایی و نومارکسیستی به کنشگران خلاق دلالت دارد (برگر، برگر و کلنر<sup>۵</sup>، ۱۳۸۷: ۱۱). کنش‌گری و ایفای نقش اجتماعی در مفهوم پارسونزی شامل انتظارات و هنجارهای ضمانت اجرای نهادینه شده آشکار یا پنهان است که موجب تعیین رفتار کنشگر در موقعیتی که در آن قرار گرفته است (روشه، ۱۳۷۶: ۹۶). همباشی در حقیقت نوعی نقش‌پذیری ولی بدون هرگونه ضمانت اجراست که فرد برای ارضای برخی نیازهای احساسی، عاطفی و جسمی و جنسی خود خارج از چارچوب پذیرفته شده ازدواج در آن قرار می‌گیرد و هیچ‌گونه ضمانتی نیز برای بقا و دوام آن وجود ندارد. تئوری مدرنیزاسیون گود<sup>۶</sup> نیز حاکی از تحولات خانواده مبتنی بر تحولات ساختاری و ایدئولوژیکی جامعه است. هنگامی که دگرگونی‌های ساختاری در سطوح کلان اتفاق می‌افتد، سطوح خردتر جامعه از جمله خانواده برای بقا، با این تحولات همراه خواهند شد (آقاسی، فلاح مین باشی، ۱۳۹۴). گیدنز در تبیین این پدیده در نظریه جهانی‌سازی بر

1- Larry L. Bumpass, James A.

2- Marion C. Willetts

3- Michael D. Newcomb<sup>۴</sup> Peter M. Bentler

4- Berger. P

5- Berger, Berger & Kellner

6- William Goud

این باور است که با بر هم خوردن نظم سنتی به واسطه جدایی زمان از مکان، ترکیبی در گستره نامتناهی ایجاد می‌شود و کنش و روابط اجتماعی متفاوتی را در جامعه‌ای بسیار بزرگ‌تر فراهم می‌سازد. بنابر این تأثیرپذیری گسترده‌تری به جای می‌گذارد (ساعی ارسی، ۱۳۸۴). وسایل ارتباطی و انتقال اطلاعات و مسیر حرکت در جامعه از شکل محلی آن به سوی جهانی‌شدن نیز تسهیل‌کننده این تحول است. البته گیدنز این وضعیت را حاکی از گسست ریشه‌ای نمی‌داند، بلکه نشانه نوعی تغییر اجتماعی می‌داند که در سطوح پیچیده‌تر اتفاق می‌افتد و با سنت‌زدایی و فرآیند مدرن‌سازی بازاندیشانه پیوند می‌خورد. اندیشه‌هایی از جمله فردگرایی، لذت‌طلبی، تفکر آزادی‌خواهانه نقش مهمی در کاهش انگیزه ازدواج جوانان دارد (گیدنز، ۱۳۸۹: ۱۵). هم‌چنین گیدنز در مفهوم عقلانیت و ارتباط عاملیت و ساختار به نقش کنشگر و ارتباط دو طرفه میان ساخت و کنشگر تأکید دارد (ریتزر، ۱۳۹۳: ۵۱۳). در شرایط فعلی فردگرایی و توجه به خواست‌های شخصی جایگزین خانواده محوری و تقیدات و مصلحت‌اندیشی خانواده شده، در جریان این تغییرات، افراد خود را کم‌کم از قیود ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خلاص می‌کنند و بر اساس خواسته‌های شخصی خود تصمیم‌گیری می‌کنند (بک و بک، ۲۰۰۲)؛ اینگلهارت<sup>۱</sup> نیز در نظریه دگرگونی فرهنگی و ارزشی و در فرضیه چرخه زندگی یا سالخوردگی معتقد است که تفاوت نسل‌ها یا تفاوت ارزش‌های گروه‌های سنی مختلف امری طبیعی و مربوط به اقتضائات روان‌شناختی هر دوره از زندگی است و هر گروه سنی پس از سپری کردن دوره مربوط و رفتن به گروه سنی دیگر ارزش‌های پیشین در او به تدریج کم‌تر می‌شود و ارزش‌های گروه سنی جدید را می‌پذیرد. بنابر این تفاوت‌های میان جوانان با بزرگسالان به دلیل اقتضای شرایط سنی آنان است (اینگلهارت، ۱۹۹۰). ماکس وبر<sup>۲</sup> نیز این شرایط را در تفاوت نوع عقلانیت و تفوق عقلانیت صوری و ابزاری و کنش اجتماعی معطوف به هدف بر عقلانیت و کنش عقلانی ناظر به ارزش در این برهه از زمان می‌داند (کالبرگ، ۱۳۸۳). زارتسکی<sup>۴</sup> نیز معتقد است که در نظام سرمایه‌داری زندگی شخصی به واسطه شکل‌گیری ارزش‌های فردگرایانه خودآگاهی، کمال‌طلبی، استقلال یا سیری‌ناپذیری شکلی تازه به خود گرفته است. به همین نسبت در درون خانواده کامروایی شخصی سیطره یافته و از هیچ قانونی پیروی نمی‌کند. در نتیجه نوعی روحیه لذت‌جویی و ارضای فردی بر زندگی شخصی و خانگی آمریکایی‌ها در سده بیستم حاکمیت یافته است (زارتسکی، ۱۳۹۰: ۸۵). بوردیو در تحلیل عادت‌واره‌ها، آنها را محصول تربیت و اجتماعی شدن فرد در محیط‌های غیررسمی خانواده و دوستان و رسمی آموزش، اشتغال و جامعه می‌داند که در طول زندگی آن را تجربه می‌کنند. هر فرد به تبع جایگاه و موقعیت اجتماعی خود دارای

1- Beck, U. & E. Beck – Gernsheim

2- Inglehart. R

3- Max Weber

4- Zaretski

عادت‌واره‌هایی است؛ اما عادت‌واره‌ها در فضای بیرونی و میدان‌ها<sup>۱</sup> صورت ظاهر می‌یابند و در حقیقت میدان فراتر از پیوندهای کنش متقابل ناشی از بین‌الذهانی افراد، منطق خاص خود را دارد و تصمیم‌های مشخص خود را بر همه کسانی که وارد می‌شوند، تحمیل می‌کند و کنشگر را در جهت یک الگوی خاص متمایل می‌سازد. (نجفی، ۱۳۹۵). بر اساس نظریه انتخاب، استانلی<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در زمینه روابط پیش از ازدواج، بر این باور است که روابط خارج از ازدواج در غرب، در صورتی که هدفمند و محدود به همسر باشد، ممکن است فرایندی از ازدواج باشد، اما چه بسا افرادی که وارد چنین رابطه‌ای می‌شوند، به نوعی به سوی آن سر خورده‌اند. به همین دلیل ممکن است بدون در نظر گرفتن شرایط مطلوب برای ازدواج، گرفتار رابطه و دلبستگی عاطفی شده و بدون دخالت عقلانیت و میزان سازگاری ویژگی‌های شخصیتی، تحصیلی و فرهنگی آن را برای ازدواج برگزینند (ملک عسگر و همکاران، ۱۳۹۶).

آزاد ارمکی (۱۳۹۱)، همبستگی را نفی نظام آیینی جامعه می‌داند که به ضدیت با فرهنگ و سنت خواهد رسید، اگر چه که در آغاز برای رهایی از مراسم سنگین ازدواج است. اقلیما (۱۳۹۳) نیز معتقد است در ایران بیش از ۹۰ درصد رابطه دختر و پسر با همبستگی به ازدواج دائم نمی‌رسد، دخترها با این الگوی ازدواج متضرر می‌شوند و معمولاً پسرها و خانواده آنان، چنین دخترانی را برای عروس خانواده بر نمی‌گزینند، مگر این که دختر از پایگاه طبقاتی و اقتصادی بالاتری باشد.

بدین ترتیب با مرور نظریات صرف‌نظر از حرکت در یک چارچوب نظری، با ایجاد حساسیت نظری برگرفته از تئوری‌های موجود، گردآوری داده‌ها دقیق‌تر خواهد بود. طبق نتایج پیشینه، پژوهش‌ها در این زمینه بیش‌تر متمرکز بر افراد دارای تجربه همبستگی بوده است، بنابراین این می‌کوشیم به صورت عمیق‌تری رویکرد جوانان را به این سبک از زندگی با دلایل و راهبرد آنان مورد واکاوی قرار دهیم.

## روش

رویکرد این پژوهش، تفهیمی و در پارادایم تفسیرگرایی است. بر همین اساس روش تحقیق کیفی و از نوع تحلیل مضمون یا تماتیک و با شیوه ولکات<sup>۳</sup> است. تحلیل تماتیک از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و نه تنها یک روش تحلیل مستقل است، بلکه دیگر روش‌های تحلیل داده‌ها نیز مبتنی بر آن هستند. محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد و در حقیقت به دنبال این است که داده‌ها چه می‌گویند (محمدپور، ۱۳۹۳: ۶۶). در این رویکرد تأکید روی محتوا یا مضمون متن است با تمرکز بر آن‌چه بیان می‌شود و زبان مسیری مستقیم و مهم برای معناست (میرزایی، ۱۳۹۵: ۱۰۷۴). شیوه ولکات فرآیندی از تحلیل داده‌هاست که دارای سه مرحله عمومی توصیف، تحلیل و تفسیر است (محمدپور، ۱۳۹۳: ۶۸).

1- field

2- Stanly

3- wolcott



تحلیل مضمون، تحلیل تفسیری است و به چارچوب نظری که از قبل وجود داشته باشد، وابسته نیست (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). گردآوری داده‌ها با تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته<sup>۱</sup> و گروه‌های متمرکز<sup>۲</sup> و با نمونه‌گیری هدفمند تا حد اشباع داده‌ها<sup>۳</sup> انجام شده است. گردآوری کامل (فلیک، ۱۳۹۳) به معنی بیش‌ترین تنوع در نمونه‌گیری هدفمند می‌تواند بر گردآوری اطلاعات متنوع‌تر کمک کند. در توضیح چگونگی انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس تحقیقی از سوی محمدزاده اصل و همکاران (۱۳۸۸)، در رتبه‌بندی به روش تحلیل پوششی داده‌ها مناطق مختلف شهر تهران از نظر سطح رفاه شهری و برخورداری اجتماعی از جمله؛ درآمد، مسکن، اماکن تفریحی، اوقات فراغت، دسترسی به خدمات مناسب، بهره‌مندی از عرصه‌های عمومی، بهداشت و درمان، امنیت غذایی و شادمانی با یکدیگر متفاوت و، به ترتیب مناطق ۱، ۳، ۶، ۲ بالاترین سطح رفاه و مناطق ۱۷، ۱۸، ۱۶، ۱۹ در پایین‌ترین سطح رفاه شهری هستند. ویژگی‌های خاص هر یک از طبقات اجتماعی، نوع خاصی از روابط و مناسبات اجتماعی را میان اعضای طبقه یاد شده با یکدیگر و سایر شهروندان تعریف می‌کند (داودی و مدبری، ۱۳۹۴). اگر چه به دلیل وسعت شهر تهران نمی‌توان گفت نمونه تحقیق بازنمای کاملی از جامعه آماری است و هم‌چنین هدف تحقیق تعمیم داده نیست، اما طبق سنت روش کیفی سعی گردید حداکثر تنوع، مشارکت‌کنندگان بر اساس نمونه‌های در دسترس از مناطق ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۲۱، ۲۲، انتخاب شوند. مضامین داده‌محور و به صورت مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر استخراج شده و به صورت شبکه مضامین مورد تحلیل قرار گرفته است.

روش اعتبار سنجی روایی تفسیری بوده و با ارائه کدگذاری و نتایج و بازخوردگیری از صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفته است. علاوه بر آن بر پایه رویه تحقیق برلکات ۹ نکته رعایت شد. ۱- محقق از صحبت و اظهار نظر کردن میان مصاحبه‌خودداری کند و بیش‌تر شنونده باشد. ۲- یادداشت‌برداری دقیق صورت گیرد. ۳- پس از مشاهده و مصاحبه بلافاصله شروع به نوشتن کند. ۴- خوانندگان خود بتوانند در مورد گزارش‌ها اظهار نظر کنند. ۵- گزارش‌ها کامل و ۶- روشن و سراسر باشد. ۷- بازخورد یافته‌ها و نوشته‌هایش در میدان را با همکارانش در میان بگذارد. ۸- نوشته‌های محقق میان جنبه‌های مختلف تعادل برقرار کند. ۹- در نگارش دقیق باشد (فلیک، ۱۳۹۳: ۴۱۸-۴۱۴). اگر چه بنا بر ماهیت و قاعده تحقیقات کیفی و به دلیل تصادفی نبودن نمونه‌ها، نتایج قابل تعمیم نخواهد بود.

## یافته‌ها

**یافته‌های توصیفی؛** مشارکت‌کنندگان در این تحقیق شامل ۱۰ دختر و ۱۸ پسر در گروه‌های سنی ۱۸ تا ۳۲ ساله است. ۷ نفر دارای مدرک دیپلم و مابقی دارای تحصیلات دانشگاهی شامل؛ کارشناسی

- 1- Semi-structured deep interview
- 2- focus Group
- 3- Theoretical saturation

## تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هجدهم، شماره هفتاد و یکم، زمستان ۱۴۰۰

ارشد ۷ نفر، کارشناسی ۱۰ نفر، کاردانی ۴ نفر هستند؛ و تعداد ۱۱ نفر شاغل و ۱۰ نفر دانشجو و شاغل به تحصیل و ۶ نفر بیکار می‌باشند.

**جدول (۱): ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان**

گروه سنی	تعداد	تحصیلات	تعداد	نوع فعالیت	تعداد
۱۸-۱۹	۸	دیپلم	۷	شاغل	۱۱
۲۰-۲۴	۹	کاردانی	۴	دانشجو	۱۰
۲۵-۲۹	۷	کارشناسی	۱۰	بیکار	۶
۳۰ و بیشتر	۴	کارشناسی ارشد	۷	سرباز	۱
جمع	۲۸	-	۲۸	-	۲۸

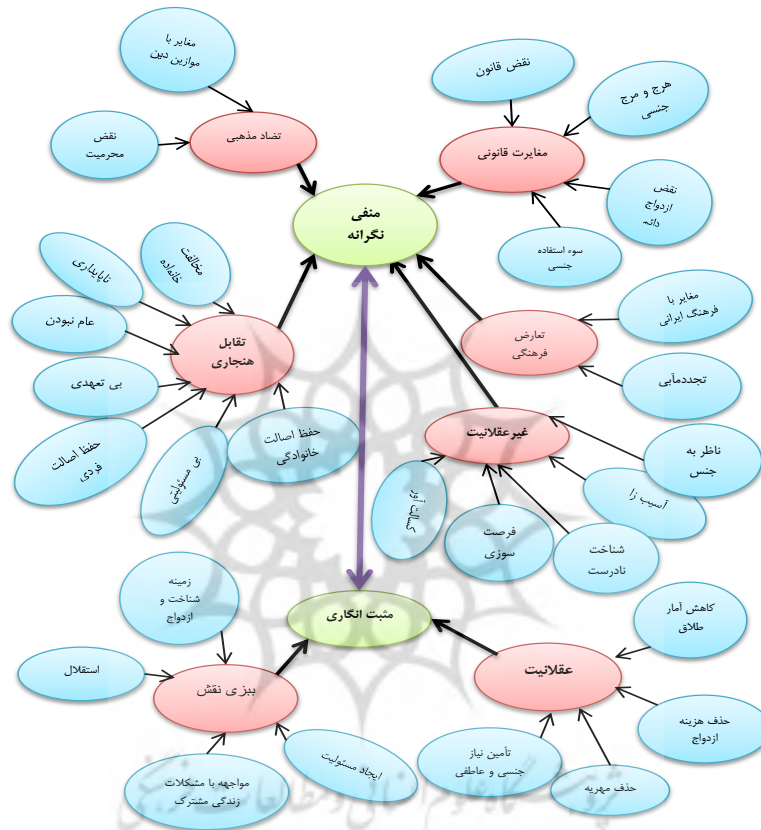
**یافته‌های تحلیلی؛** پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و سازمان‌دهی و استخراج مضامین انجام شد، شبکه مضامین به صورت جدول ۱ تنظیم شده است:

**جدول (۲): مضامین رویکرد به همبازی**

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
مغایر با موازین دین	تضاد مذهبی	
نقض محرمت		
مغایر با فرهنگ ایرانی	تعارض فرهنگی	
تجددمآبی		
سوءاستفاده جنسی		
نقض قانون	مغایرت قانونی	
نقض ازدواج دائم		
هرج و مرج جنسی		
بی‌مسئولیتی		
ناپایداری		
بی‌تعهدی	تقابل هنجاری	منفی تکرانه
حفظ اصالت فردی		
حفظ اصالت خانوادگی		
مخالفت خانواده		
عام نبودن موضوع		
کسالت‌آور		
فرصت‌سوزی		
شناخت نادرست		
ناظر به جنس (پسران)	غیرعقلانیت	
آسیب‌زا		
ناپایداری		
حذف هزینه ازدواج		
حذف مهریه	عقلانیت	
کاهش آمار طلاق		
تأمین نیاز جسمی و عاطفی		خوش بینانه
زمینه شناخت و ازدواج		
مواجهه با مشکلات زندگی مشترک	بازی نقش	
ایجاد مسئولیت		
استقلال‌جویی		

مطالعه جامعه‌شناختی رویکرد جوانان به هم‌باشی و هم‌زیستی‌های نوپدید (مورد مطالعه . . .)

شبکه مضامین به طور کلی دو رویکرد اصلی میان مشارکت‌کنندگان را نشان می‌دهد:  
 الف) رویکرد منفی‌نگرانه با مضامین؛ ۱- تضاد مذهبی ۲- تعارض فرهنگی ۳- مغایرت قانونی ۴-  
 تقابل هنجاری ۵- غیرعقلانیت  
 ب) رویکرد خوش‌بینانه با مضامین؛ ۱- عقلانیت ۲- بازی نقش.



شکل (۱): شبکه مضامین رویکرد به هم‌باشی

اگرچه برخی از افراد این گروه اظهار بی‌اطلاعی نسبت به موضوع داشته و این شکل باهم بودن را اولاً ازدواج نمی‌دانند و متعجب از نام ازدواج سفید، نکته حائز اهمیت این که هم‌زیستی<sup>۱</sup> در جوامع غربی نیز ازدواج<sup>۲</sup> نیست، اگر چه افراد با هم زندگی می‌کنند و خاص فرهنگ غرب است. در ایران نیز آن را خاص اقشار خاص جامعه با روحیه تجددگرایی و وضع مالی بهتر می‌دانند.

1- cohabitation  
 2- White wedding

هم‌باشی هنوز حتی از نظر ذهنی امری پذیرفته شده، عام و فراگیر نیست. با فرهنگ ایرانی و قواعد و موازین دین اسلام کاملاً منافات دارد. این موضوع در فرهنگ ایرانی و اسلامی امری بهنجار نیست، بنابر این افرادی که به این شکل از ازدواج روی می‌آورند، عملی کجروانه مرتکب شده‌اند. بیش‌تر پیروی از فرهنگ غربی و مدرن محسوب می‌شود. مخالف آداب و موازین شرع بوده و نمی‌توان آن را به عنوان راهبردی برای خروج از مشکلات فعلی ازدواج دانست.

«ازدواج سفید با فرهنگ ما فرق دارد و ما در ایران زندگی می‌کنیم با یک کشور اروپایی فرق داریم ... نمی‌تونه یک الگوی مناسب باشه» (پیمان ۲۸ ساله، منطقه ۸).

هم‌باشی در ایران هیچ پشتوانه قانونی ندارد و افراد به آن متمایل نیستند. از سویی مغایر با چارچوب ارزش‌های خانواده می‌دانند. ازدواج میثاقی است که در کنار تأمین نیازهای روحی، عاطفی و جسمی و جنسی فرد، میل به پایایی دارد؛ اما هم‌باشی از ابتدا ناپایداری آن محرز و نگران‌کننده است. زن و مرد برای کنار یکدیگر ماندن تعهدی ندارند و هیچ قانونی نیز از حقوق آنان حمایت نمی‌کند. ناپایداری و عدم تعهد در این شکل از ازدواج، دلواپسی مهمی است که جوانان را از آن باز می‌دارد و چه بسا به همین واسطه افراد را متضرر می‌سازد. بسیاری از آسیب‌های روحی، عاطفی، اجتماعی و آینده فرد دچار آسیب جدی می‌شود و کمتر کسی راضی می‌شود که چنین عواقبی را بپذیرد.

«آسیب‌هایی هم دارد که دو طرف تعهد ندارند و بعد از مدتی خداحافظ، استحکام ندارد. در جامعه ما بیشتر سوءاستفاده جنسی غالب است و بیشتر دختر متضرر می‌شود» (محمد ۲۵ ساله از منطقه ۲۱).

از دیگر دلایل افراد با رویکرد منفی، کسالت‌آور بودن چنین زندگی است. شبه خانواده ناشی از هم‌باشی به دلایل بسیار اعم از مشکلات اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی هنوز به عنوان امری اجتماعی پذیرفته شده نیست. دو نفر به عنوان زن و شوهر محسوب نمی‌شوند، در مجامع آزادانه حضور نمی‌یابند، گاه از خانواده خود نیز طرد می‌شوند. در اماکن عمومی زمانی که از متأهل و مجرد بودن سؤال می‌شوند، در هتل‌ها و میهمانی‌ها، مراسم خانوادگی و وضعیت مشخصی ندارند. نمی‌توانند خود را به عنوان زن و شوهر معرفی کنند و اکثراً تنها برخی دوستان نزدیکشان از وضعیت آنان باخبر هستند. این خانواده‌ها با موانع اجتماعی زیادی مواجه هستند، به فرزندآوری نمی‌اندیشند یا نمی‌خواهند یا نمی‌توانند. بنابر این پس از مدتی خانواده‌های تک افتاده و منزوی می‌شوند که به زعم افراد دیگر زندگی کسالت‌آوری دارند و به راحتی پس از چندی از هم می‌گسلد.

«یکی از دوستانم بود. زندگی کسل‌کننده‌ای داشتند و آخر هم خوب نبود و جدا شدند» (آ پرستو ۱۹ ساله از منطقه یک).

ب) رویکرد خوش بینانه با مضامین؛ ۱- عقلانیت ۲- بازی نقش.

تعداد ۵ نفر و حدود یک‌هفتم از مشارکت‌کنندگان و عمدتاً از میان پسران، نگاه مثبت به این گونه از همزیستی دارند. آنان این شیوه از زندگی زن و مرد را برای رفع نیازهای عاطفی، احساسی و جنسی

مطالعه جامعه‌شناختی رویکرد جوانان به هم‌باشی و هم‌زیستی‌های نوپدید (مورد مطالعه . . .)

می‌دانند. هنگامی که فرد امکان ازدواج ندارد، این روش تا حدود زیادی مشکلات ذکر شده را مرتفع می‌نماید.

هم‌باشی پدیده‌ای ناظر به جنسیت است. حتی پسران با رویکرد مثبت به این موضوع، در پاسخ به این که برای خواهر خود نیز این موضوع را می‌پسندد، پاسخ منفی می‌دهند:

«برای دختر جالب نیست. مثلاً برای خواهرم نمی‌پسندم و منع می‌کنم هم از جانب پسر و هم دختر قبح داره، ولی از طرف دختر با شدت بیشتری. این قبح فرهنگی و سنتی است. در جامعه ما بیشتر سوءاستفاده جنسی غالب است و بیش‌تر دختر متضرر می‌شود» (میلاد ۲۵ ساله، منطقه ۲۱).

آیدا ۱۹ ساله از منطقه ۲ تهران با سه نفر از دوستان پسر خود و با پوششی نامناسب، می‌گوید:  
موافقم ولی انجام نمی‌دم، دختر خوب این کارو نمی‌کنه. بهش معتمد. ولی تو ایران همیشه چنین کاری را کرد. جامعه هنوز نپذیرفته و به دختر مخصوصاً به چشم دیگه ای نگاه می‌کنه. مادر من بهم میگه از ایران رفتی خواستی این کارو بکن ولی تو ایران نه. الان دخترایی که خیلی خانواده ندارن این کارو می‌کنند. کسی که خانواده داشته باشه پدر و مادرش نمی‌ذارن.

یکی از مشارکت‌کنندگان که خود تجربه هم‌باشی در خارج از کشور را داشته است، زندگی مشترک هم‌باشی را موجب تجربه زندگی و مسئولیت فرد برای زندگی با فرد دیگر می‌داند و معتقد است که صرفاً آن را نمی‌توان به روابط جنسی محدود کرد:

«من به دختر به چشم هم خوابی نگاه نمی‌کنم و به خاطر احساسات است. در هم‌باشی خیلی راحت‌تر مشکلات بروز پیدا می‌کنه. در هم‌باشی مسئولیت‌هایی میفته به گردنت. تجربه آدم بیشتر می‌شه... می‌توننی طرف را همین‌جوری که هست درک کنی و بشناسی» (فرزاد ۲۰ ساله منطقه ۲).

همچنین آن را زمینه‌ای برای شناخت بیشتر طرفین و زمینه‌ساز ازدواج می‌دانند:  
«اگر می‌شد خیلی چیز خوبی بود. آدم طرفش را به معنای واقعی می‌شناخت. در مورد نامزدی هیچ‌کس خود واقعی شو نشون نمی‌ده هر چقدر هم که طولانی باشه» (آیدا ۱۹ ساله منطقه ۲).

اگرچه یکی از دلایل مهم برای این کار به ویژه از سوی پسران، کاهش هزینه‌ها و پرهیز از مهریه و سایر مخارج حین جدایی در ازدواج دائم است.

«می‌تونه راهکار خوبی باشه، ولی باید فرهنگش اول جا بیفته... خیلی دلم می‌خواد این اتفاق برای من بیفته نه هزینه آن چنانی می‌کنی که بعد از دو سال جدا بشی و نه مهریه آن چنانی بپردازی...» (امیرحسین ۲۷ ساله منطقه ۸).

مهم‌ترین استراتژی مشارکت‌کنندگان در گروه الف این است که هم‌باشی به هیچ‌وجه راه حل مناسبی نیست. بهتر است که افراد ازدواج کنند تا این که خود را درگیر چنین ماجراهایی نمایند و دچار لطمات روحی و روانی شوند. می‌توان نامزدی را که برخاسته از فرهنگ ایرانی است، جایگزین کرد و پدیده‌ای به‌عنوان

هم‌باشی برای شناخت بیش‌تر طرفین در فرهنگ ایرانی اسلامی هیچ جایگاهی ندارد. همچنین برخی از مشارکت‌کنندگان که تمایل به همزیستی قبل از ازدواج را دارند، عقد موقت را گزینه مناسب‌تری می‌دانند و از نظر آنان شرعی بودن موضوع اهمیت دارد.

استراتژی گروه ب اولاً ناظر به جنسیت است، بدین معنا که از نظر آنان هم‌باشی برای دختران مناسب نیست و موجب هرج‌ومرج و سوءاستفاده جنسی خواهد شد. ثانیاً برای پسران نیز در شرایط فرهنگی اجتماعی فعلی جامعه امری مشروط به بازتولید فرهنگی و تحول در زیرساخت‌های فرهنگی خواهد بود، زیرا در شرایط کنونی، مخالفت خانواده و جامعه، زندگی مخفیانه و در تعارض با جامعه را ایجاد خواهد کرد.

### بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی نگاه دوگانه‌ای نسبت به پدیده هم‌باشی وجود دارد. تعداد اکثریتی آن را بنا به مغایرت مذهبی، فرهنگی، قانونی، هنجاری و غیرعقلانی بودن، ناپسند دانسته و منفی‌نگر و تعداد قلیلی هم به واسطه عقلانی بودن و فرصتی برای بازی نقش، مثبت‌نگر هستند؛ اما هر دو گروه حداقل در یک دیدگاه مشترکند و آن را مغایر با ارزش‌های جامعه می‌دانند. هر دو گروه موضع خود را نوعی انتخاب عقلانی می‌پندارند. عقلانیت در گروه اول به واسطه تضاد همه‌جانبه پدیده از نظر آنان با اصول و قواعد جامعه، عقلانیت ارزشی منجر به رد موضوع و کنش آنان طبق نظریه ماکس وبر، کنش معطوف به ارزش است. ارزش‌های خانواده، دین، فرهنگ و جامعه بر بسیاری از تمایلات فردی چیره است و فرد خود را از آن‌ها جدا نمی‌داند و بر همین اساس کنش‌های خود را به‌گونه‌ای منطبق با ارزش‌های حاکم انتخاب می‌کند. این نتایج با نتایج پژوهش شرف‌الدین و عراقی (۱۳۹۸) در پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی و با پژوهش کریمیان و زارعی (۱۳۹۵) به واسطه ترس از قضاوت خانواده و جامعه همسوست.

در مقابل تمایل گروه دوم عقلانیت از نوع صوری یا ابزاری است. این پدیده را در جهت رفع نیازها و دستیابی به تمایلات فردی خود می‌دانند. فردگرایی در این افراد بیشتر است. همان‌گونه که کلمن<sup>۱</sup> در نظریه عقلانی اساس بررسی و تحلیل را بر کنشگر و منافع او قرار داده است، کنشگر مناسب‌ترین وسایل و ابزار را برای دستیابی به هدف انتخاب می‌کند. فرد در برخورد و رویارویی با آموزه‌های زندگی مدرن در پی کسب منفعت بیش‌تر و انتخاب عقلانی‌تر است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۹۸). گیدنز (۱۳۸۹) و آقایی (۱۳۹۸) هم از لذت‌طلبی و تنوع‌خواهی و تفکر آزادی‌خواهانه (نیوکامپ و بنتلر، ۲۰۰۲) برای این چنین روابطی یاد کرده‌اند. گیدنز از رابطه ناب سخن می‌گوید. او بر این باور است که در این نوع رابطه کیفیت رابطه بسیار مهم است. زوج‌هایی که زندگی مشترک قبل از ازدواج دارند، این نوع رابطه را مهم دانسته و در پی صمیمیت بدون ایجاد هرگونه تعهد هستند. رابطه‌ای که به زعم آنان نوعی رضایت فردی و درونی را به همراه دارد و

1- James Colman

وابسته به هیچ عامل بیرونی نیست. در حقیقت رضایت شرط بقا و ماندگاری این نوع رابطه است. رابطه ناب در عرصه رفاقت و دوستی‌های نزدیک به وجود می‌آید. باومن نیز از آن به عنوان عشق سیال یاد می‌کند. اکبرزاده و هاشمیان فر (۱۳۹۸) نیز از سیالیت عشق و تعهد در این‌گونه روابط یاد کرده‌اند. افرادی که در این پژوهش نگرش مثبت به هم‌باشی نشان داده‌اند، بر همین نکته تأکید دارند و این‌گونه رابطه را به واسطه حس آرامش درونی پیشنهاد می‌دهند. و فراغت از عوامل بازدارنده بیرونی نوعی عقلانیت است، اما انجام نمی‌دهند زیرا فشارهای هنجاری جامعه را نمی‌توان در نظر نداشت و کنشی غیرعقلانی انجام داد. گیدنز نیز بر این باور است که کنشگران توانایی ساخت فرآیند عقلانی شدن را دارند و دارای انگیزه کنش هستند، اما انگیزه‌ها فقط بالقوه پایه کنش هستند و همه آنها به کنش منتهی نمی‌شوند، بلکه این آگاهی عملی است که کنشگر را به سوی انجام عمل سوق می‌دهد. بنابر این می‌بینیم که در افراد گروه ب با وجودی که هم‌باشی به لحاظ آگاهی استدلالی، عقلانی است، اما به سادگی آن را بر نمی‌گزینند. مغایرت این پدیده با فرهنگ و ارزش‌های جامعه، منجر به استراتژی هوشمندانه‌ای از سوی افراد است و کنش را موکول به فرهنگ‌سازی و بازتولید فرهنگی می‌دانند، در غیر این صورت تنزل منزلت اجتماعی را به همراه خواهد داشت. بوردیو نیز عادت‌واره‌ها را محصول تربیت و اجتماعی شدن فرد در محیط‌های غیررسمی خانواده و دوستان و محیط‌های رسمی آموزش و اشتغال و ... می‌داند که در طول زندگی آن را تجربه می‌کند. عادت‌واره‌ها در فضای بیرونی و میدان‌ها<sup>۱</sup> ظهور می‌یابند. در حقیقت میدان فراتر از کنش‌های متقابل ناشی از پیوندهای بین‌الذهانی افراد، منطق خاص خود را داراست و تصمیم‌های مشخص خود را بر همه کسانی که به آن وارد می‌شوند، تحمیل می‌کند و کنشگر را در جهت یک الگوی رفتاری خاص متمایل می‌سازد. بر همین اساس کنشگران اجتماعی اگرچه خواهان سهولت در روابط و معاشرت میان دو جنس حتی به صورت هم‌زیستی هستند، اما در چارچوب رفتاری ناشی از میدان و ضوابطی که بر آن تعریف شده، از این امر فاصله می‌گیرند. در حقیقت در ارج نهادن به نهاد خانواده، ارزش‌های حاکم بر میدان اجتماعی هنوز آن‌چنان پر قدرت عمل می‌کند که کردار اجتماعی مناسب برای زندگی در غرب را در جامعه خود مناسب نمی‌داند و آن را تنزل پرستیژی اجتماعی می‌پندارد. بوردیو نیز سبک زندگی افراد را که بیش‌تر جنبه عینی و خارجی دارد، نشئت گرفته از ذوق و سلیقه و هویت بخشی به فرد می‌داند.

بنابر این تشکیل خانواده سالم و موفق زن و شوهری و اعلام اجتماعی آن به جامعه از طریق برگزاری مراسم و مناسک عروسی و ازدواج جزء ارزش‌های جوانان محسوب می‌شود. بسیاری از افراد شبه خانواده‌های هم‌باشی را نمی‌پذیرند و آن را اصولاً خانواده نمی‌دانند. ورود به زندگی پنهانی که از شروع به بقای آن باوری نیست، بلکه ناپایدار، بدون اصالت، بی‌ریشه، برگرفته از فرهنگ غرب، بدون پشتوانه قانونی، برخلاف ارزش‌های دین و آیین اسلام، بدون حمایت اجتماعی و جدا افتاده، بدون تصور داشتن فرزند است،

1- Field

آن را عمدتاً برای نسل جوان ناپسند کرده است. نسل امروز هنوز پای در ریشه‌های اصالت‌های خانوادگی و سنت‌های پذیرفته شده اسلاف خود دارد و سعادت را بر پایه زندگی با اصالت و نه برگرفته از زندگی غربی می‌داند. از مهم‌ترین دلایل دیدگاه مثبت برخی افراد به این موضوع، امکان شناخت بیشتر و مسئولیت و تجربه زندگی کردن زیر یک سقف است. در نظریه بازی و نقش نیز بر این موضوع تأکید می‌شود و چنین به نظر می‌رسد که افراد با بازی نقش به ایجاد نظمی تعاملی بپردازند و در صحنه جدیدی از زندگی خود را محک بزنند. همان‌گونه که گافمن<sup>۱</sup> (ریترز، ۱۳۹۳) زندگی اجتماعی را صحنه‌های بازی افرادی در یک صحنه تئاتری می‌داند که بر اساس آن به تحصیل تعاملات روزمره با مردم می‌پردازند. پارسونز در نظریه نقش (روشه، ۱۳۷۶)، نتایج کریمیان و همکارانش (۱۳۹۴) مبنی بر ازدواج آزمایشی و آزمون سازگاری به واسطه ترس از پیامدهای طلاق اشاره داشته‌اند. البته این موضوع در فرهنگ خودی به عنوان دوران نامزدی تعریف شده و افراد برای شناخت بیشتر مدتی را با اطلاع خانواده و رعایت حدود و حتی گاه با برگزاری مراسم نامزدی، با یکدیگر معاشرت می‌کنند و به گفته برخی مشارکت‌کنندگان بسیار پذیرفته شده تر از همباشی است. جسی برنارد در مورد آینده ازدواج چنین می‌گوید: من باور دارم که آینده ازدواج همانند بسیاری از قالب‌های اجتماعی دیگر مسلم است که وجود داشته باشد... مردان و زنان هم‌چنان در پی رابطه زناشویی با یکدیگر خواهند رفت. آنان با هم بودنشان را باز هم جشن می‌گیرند و وحدتی جالب را تجربه خواهند کرد... احتمال کمی وجود دارد که چنین تعهداتی از بین برود یا اینکه تمام روابط به روابطی موقت و گذرا تبدیل شود (برناردز، ۱۹۸۲، ۲: ۲۷۰).

در مجموع می‌توان گفت که ازدواج و ارزش‌های حاکم بر آن در حال تغییر است، اگرچه این تحولات در حال حاضر با مقاومت و گاه بی‌میلی مواجه است، اما می‌بایست در انتظار شرایط جدیدتر برای ازدواج و روابط میان دو جنس در قبل از ازدواج بود. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود:

- در حال حاضر ازدواج هنوز دارای اصالت میان جوانان است. انتخاب‌های سنتی جای خود را به سبک دوستی و ارتباط و معاشرت میان دختر و پسر داده است. سعی شود روابط قبل از ازدواج هدفمند و با رویکرد ازدواج باشد.

- باورهای سنتی به روز رسانی شده و دیدگاه‌های مطلوب‌تری هم راستا با فرهنگ خودی و ارزش‌های بومی جایگزین برخی عقاید به ویژه با رویکرد جنسیتی شود. امکان آشنایی‌ها با نظر خانواده فراهم گردد تا ازدواج مطلوب‌تری صورت گیرد.

- سنت‌های پسندیده اعم از سادگی، قناعت، سازگاری، پرهیز از سختگیری و چشم و هم‌چشمی تقویت شود تا امکان ازدواج برای جوانان مهیا گردد.

---

1- Gafman  
2- Bernard



مطالعه جامعه‌شناختی رویکرد جوانان به هم‌باشی و هم‌زیستی‌های نوپدید (مورد مطالعه . . .

- مهارت‌های زندگی و زناشویی، ایجاد روحیه صداقت و همدلی، سازگاری، تعهد، مسئولیت‌پذیری، وفاداری، خطرات و آسیب‌های احتمالی روابط میان دو جنس به ویژه از سوی سودجویان به جوانان آموزش داده شود.

- حمایت‌های مادی از سوی نهاد دولت و اقتصاد در حمایت جوانان در امر اشتغال، تأمین معاش و درآمد، مسکن ارزان، تأمین رفاه اجتماعی، حمایت‌های مالی ازدواج و خوداشتغالی، حمایت فرزندآوری، صندوق‌های پس‌انداز بدو تولد صورت گیرد.

#### منابع

- احمدی، کامیل. (۱۳۹۷). خانه‌ای با در باز، پژوهشی جامع در مورد ازدواج سفید در ایران. kameelahmady.com
- اکبرزاده، فاطمه؛ هاشمیان فر، سید علی. (۱۳۹۸). از اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرفی؛ گونه‌شناسی تجربه تعهد در ازدواج سفید. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۶ (۱۴)، ۲۰۶-۱۷۷.
- اقلیما، مصطفی. (۱۳۹۳). هشدار! رواج آرام «ازدواج سفید» در میان جوانان. <http://jamejamonline.ir/sara/1484058333168335806>
- اینگلهارت، رونالد. (۱۹۹۰). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه‌ی مریم وتر. تهران: انتشارات روزنه.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۵). تغییرات و چالش‌های آینده خانواده ایرانی. تهران: انتشارات نیسا.
- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم؛ طالبی، سحر. (۱۳۹۱). هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول، بهار و تابستان، ۴۳-۷۷.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سروش.
- آقایی، مجید. (۱۳۹۸). واکاوی جرم شناسانه ازدواج سفید با رویکرد جامعه‌شناختی. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده. شماره ۷ (۱۶). ۱۱۳-۱۴۵.
- آقاسی، محمد؛ فلاح مین باشی، فاطمه. (۱۳۹۴). نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده. پژوهش‌نامه زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶ (۱)، ۳۱-۱.
- برناردز، جان. (۱۳۹۳). درآمدی به مطالعات خانواده. ترجمه‌ی حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
- برگر، پیتر؛ برگر، بریجیت؛ کلنر، هانسفرید. (۱۳۸۷). ترجمه‌ی محمد ساوجی. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
- بستان (نجفی)، حسین. (۱۳۸۹). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- بنگستون ورن ل. آلن س. اکاک. (۱۳۹۳). دایره المعارف خانواده (نظریه و روش‌ها). ترجمه‌ی عالییه شکرپیگی، شهلا مهرگانی. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- بهنام، جمشید. (۱۳۹۲). تحولات خانواده، پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون. ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده. تهران: نشر ماهی.
- خلج آبادی فراهانی. (۱۳۹۵). فراتحلیل روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان، ۱۵ سال گذشته (۱۳۸۰-۱۳۹۴) در ایران. فصلنامه خانواده پژوهی، (۴۷)، ۱۲، ۳۶۷-۳۳۹.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی.
- رضایی، حسن. (۱۳۹۵). ازدواج سفید یا هم باشی سیاه. مجله پایش سبک زندگی. شماره ۶.
- زارتسکی، ایلائی. (۱۳۹۰). سرمایه‌داری، خانواده و زندگی شخصی. ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- ساعی ارسبی، ایرج. (۱۳۸۴). بررسی و نقد مدل‌های نظری جهانی‌شدن: ارائه یک مدل نظری پویا. مطالعات علوم اجتماعی ایران، پیش‌شماره ۵، ۱۹-۵.
- شرف‌الدین، سید حسین؛ عراقی، جلال. (۱۳۹۸). بررسی تحلیلی ابعاد مختلف ازدواج سفید در ایران (مؤلفه‌های از سبک زندگی غربی). پژوهش‌نامه سبک زندگی. ۵ (۹)، ۱۰۵-۱۲۴.
- طلائی، مرتضی. (۱۳۹۱). ازدواج سفید، جهان - ایران. پژوهش خانواده. برگرفته از سایت روزنامه انتخاب. <http://www.Tvr.ir>.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن و محمد شیخ‌زاده. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. مطالعات راهبردی. ۵ (۲). ۱۵۱-۱۹۸.
- کریمیان، نادر؛ زارعی، اقبال. (۱۳۹۵). بررسی کیفی وضعیت زندگی زنان دارای رابطه هم‌خانگی با جنس مخالف. فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، (۲)، ۷، ۳۹-۶۸.
- کریمیان، نادر؛ سالاری، سمانه؛ ملکاری، بختیار. (۱۳۹۴). رابطه هم‌خانگی در ایران: بررسی کیفی علل و انگیزه‌های گرایش به آن. فصلنامه مطالعات روانشناسی، (۲۱)، ۶، ۱۷۷-۲۰۰.
- کالبرگ، اشتفان. (۱۳۸۳). انواع عقلانیت از دیدگاه ماکس وبر؛ بنیادهایی برای تحلیل فرآیندهای عقلانی شدن در تاریخ. ترجمه مهدی دستگردی. ادیان، مذاهب و عرفان. معرفت. شماره ۸۰، ۴۵-۶۳.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۱). تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه‌ی ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

مطالعه جامعه‌شناختی رویکرد جوانان به هم‌باشی و هم‌زیستی‌های نوپدید (مورد مطالعه . . .

- روشه، گی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز. ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۳). روش تحقیق کیفی، ضدروش ۲. مراحل و رویه‌های علی در روش‌شناسی کیفی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ملک عسگر، سعاده؛ مظاهری، محمدعلی؛ صادقی، منصوره السادات. (۱۳۹۶). رابطه میان سطوح متفاوت روابط پیش از ازدواج و نگرش والدین به آن با میزان سازگاری زناشویی زوجین. راهبرد فرهنگ، ۸(۳۸)، ۱۰۱-۱۲۵.
- مهديه، مهسا؛ سیدان، فریبا. (۱۳۹۴). تحلیل جنسیتی روابط همخانگی مشترک در زنان و مردان ایرانی (زوج‌های تهرانی). سیویلیکا - ناشر تخصصی مقالات کنفرانس‌ها و ژورنال‌ها.
- یاری نسب، فاطمه؛ توحیدی، افسانه؛ حیدری، عقیقه و سایر همکاران. (۱۳۹۴). نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج موقت (مورد مطالعه: دانشگاه شهید باهنر کرمان). فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۵(۳)، ۳۴۴-۳۴۷.
- Beck, U. & E. Beck Gernsheim. (۲۰۰۲). Individualization: Institutionalized Individualism and its social and political consequences. London: sage.
- Filing, M and Kuhn, H. (۲۰۱۲). Working with cohabitations and couples in relationship education. Journal of couple and Relationship Therapy, ۹۳-۱۴, ۸۲. First published: 24 May 2012. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2012.00977.x>.
- Kairi Kasearu MA & Dagmar Kutsar. (2010). Pattern behind unmarried cohabitation trends in Europe. Pages 307-325 | Published online: 17 Sep 2010. <https://doi.org/10.1080/14616696.2010.493586>.
- Lakeesha N. Woods MA & Robert E. Emery. (2008). The Cohabitation Effect on Divorce, Causation or Selection? Journal of Divorce & Remarriage.
- Larry L. Bumpass, James A. Sweet and Andrew Cherlin. (1991). The Role of Cohabitation in Declining Rates of Marriage. Journal of Marriage and Family. Vol. 53, No. 4 (Nov. 1991), pp. 913-927.
- L. Brown, Susan. (2004). Moving from cohabitation to marriage: effects on relationship quality. Social science Research no,33, pp: 1-19. <http://www.Elsevier.com>.
- Marion C. Willetts. (2006). Union Quality Comparisons Between Long-Term Heterosexual Cohabitation and Legal Marriage. First Published January Vol 27, Issue 1. <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0192513X05279986>
- Michael D. Newcomb؛ Peter M. Bentler. (1980). Cohabitation before marriage, A comparison of married couples who did and did not cohabit. Journal of Family and Economic Issues February 1980, Volume 3, Issue 1, pp 65-85| Cite as.

- Normi Binti AbdulMalekAssociate. (2016). Is Cohabitation an Alternative to Marriage? Social and Behavioral Sciences. Volume 219, 31 May 2016, Pages 12-18.
- Pamela J. SmockRhiannon Kroeger. (2015). Cohabitation: United States. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition), Pages 118-121.
- Thomas E. Trail ; Benjamin R. Karney. (2012). What's (Not) Wrong With Low-Income Marriages. SHAREVolume74, Issue3. June 2012, Pages 413-427.

